آیت الله ناصری و عرفان و سیاستی که عین دیانت است

بسم الله الرّحمن الرّحیم

خوب است به اشراقی فکر کنیم که از طریق انقلاب اسلامی نه‌تنها بر قلب حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بلکه بر قلب بسیاری از عارفانِ زمان‌شناس از جمله آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» تجلی نمود و از جمله می‌توان به نگاهی که آیت الله اراکی به انقلاب داشتند توجه کرد که فرموده بودند امام خمینی، احیاء‌گر دین و مذهب در قرن اخیرند و بارها امام خمینی را «مجدد الاسلام» می‌خواندند.

آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» از جمله کسانی بودند که «طلوع تاریخی مکتب امام» را فهمیدند و تقابل تاریخی جبهه‌ تمدنی حق و باطل را دریافتند. سخن از تولد انسانی دیگر با ابعاد متعالی و مکتبی انسان‌ساز با نگاه به افق ملکوتی عالم بود و هنر فهم این واقعه مربوط به عارفان زمان‌شناس است.

تماماً سخن از اندیشه‌ای دیگر در تاریخِ دیگری است و آیت الله ناصری و عالمان عارفانی همچون ایشان متوجه این اشراق قدسی در طلوع انقلاب اسلامی شدند.

1- همه حرف در آن سخن آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» است که می‌فرمایند:

«تبلیغ از امام زمان بیشتر شود، تبلیغ از مقام رهبری بیشتر شود. بنده معتقدم ایشان تنهاست، مخصوصاً وظیفه‌ روحانیت این است؛ همان طور که تبلیغ از اسلام و قرآن و نظام می‌کند، از مقام رهبری تبلیغ بکند. خدا می‌داند ایشان مؤیَّد از سوی خداست. همه‌ گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها بر قلب ایشان وارد است. قلب رهبری را امام زمان نگهداری کرده است، بنابراین تبلیغ از مقام رهبری و حمایت از مقام رهبری شود.»

آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» چه افقی را مدّ نظر دارند که با نظر به آن افق، چنین سخنانی را بر زبان می‌آوردند؟

2- در شرح دیدار حضرت امام خمینی با آیت‌الله قاضی«رحمة‌الله‌علیهما» از قول شیخ عباس قوچانی متذکر جایگاه بلند حضرت می‌شوند که حتماً عزیزان در جریان هستند.[[1]](#footnote-1) و این حکایتی است از حساسیت آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» جهت بازگوکردنِ امری که موجب هرچه بیشتر نشان‌دادنِ جایگاه تاریخی حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در اراده الهی می‌باشد.

3- حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در آخرین روزهای عمر شریف خود می‌فرمایند:

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه‏ شروع‏ انقلاب‏ بزرگ جهان اسلام به پرچمدارى حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»

این همان امری است که آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» نیز متذکر آن بودند.

4- رهبر معظم انقلاب نیز در پی درگذشت آیت‌الله ناصری در مورد ایشان چنین گفتند:

«این عالم بزرگوار و معلّم اخلاق، وظیفه‌ بزرگ تزکیه و نشر معارف اخلاقی اسلام را تکلیف خویش دانسته و با بهره‌‎مندی از خشیت و خضوعِ دل نورانی خود، بیان اثرگذار و نافذی را در این جهت به کار می‌بردند؛ رحمت و رضوان خدا بر ایشان باد».

راز تشییع پیکر منوّر ایشان را باید در همین منش و شخصیت دانست که رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله‌تعالی» متذکر آن شدند و مناعت طبعی که آن مرد بزرگ در طول زندگی از خود نشان می‌دادند.

5- در راستای زمان‌شناسی که هنر عارفان بزرگ است، حضرت علی«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ. سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ.» چون روح حاکم بر زمانه تغيير کند، زمانه دگرگون شود. پيش از آن‌كه به راه افتى، بپرس كه همراهت كيست، و پيش از- گرفتن- خانه، ببين كه با كدام- همسايه- خواهى زيست.

یا در همین رابطه از حضرت صادق«علیه‌السلام» داریم: «العالِمُ بِزَمانِهِ لا تَهجُمُ عَلَیهِ اللَّوابِس.» شبهات و نادانى‌ها و نفهمى‌ها به کسى که عالم به زمان خود است، هجوم نمى‌آورند؛ و می‌فهمد در زمانه خود چه‌کار باید بکند.

از حضرت علی«علیه‌السلام» داریم: «أَعْرَفُ‏ النَّاسِ‏ بِالزَّمَانِ‏ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ.» آگاه‌ترین مردم به زمانه کسی است که از پیشامدهای روزگار تعجب نکند. و شما این حالت را در علمایی مانند آیت الله ناصری و به‌خصوص رهبر معظم انقلاب ملاحظه می‌کنید. و باز در همین رابطه حضرت علی«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «مَنْ‏ عَرَفَ‏ الْأَيَّامَ‏ لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الِاسْتِعْدَاد» هر كه ايّام را شناخت، از آماده شدن غافل نگشت. همچنان‌که از حضرت صادق«علیه‌السلام» داریم که فرمودند: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفاً بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظاً لِلِسَانِه.» بر خردمند است که زمان خود را بشناسد، مطابق شأن‌اش که همان زمان‌شناسی است با رویداد برخورد کند و زبان‌اش را کنترل کند و مطابق زمانه، زبان بگشاید.

آری! هر زمانی، از نظر نوع عمل، اقتضائاتی دارد. این‌که «چه باید کرد؟» مربوط به زمانی است که در آن قرار داریم. زمان شناسی به این معنا در نحوه عمل‌کردِ ما نیز مؤثر است. بعضی «فرزند زمان خویشتن»اند و برخی هم در گذشته به سر می‌برند و از این حیث می‌توان افراد را به سه گروه تقسیم کرد: 1- افراد عقب‌تر از زمان 2- افراد معاصر با زمان 3- افراد جلوتر از زمان؛ و آیت الله ناصری«رحمة‌الله‌علیه» نمونه انسانی بودند که نه‌تنها با علم به میراث گذشتگان در زمانه خود حاضر بودند بلکه متوجه آینده این انقلاب بودند که همان مصداق جلوتر از زمانه‌ بودن است.

امید است با نظر به شخصیت عالمان زمان‌شناسی چون ایشان، متوجه حضور تاریخی خود و آینده‌ای شویم که در دل این انقلاب به ظهور می‌آید و شامل مژده «بَشِّرِ الصَّابِرين‏» شویم به حکم: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرين‏»، إن‌شاءالله.

6- در رابطه با زمان‌شناسی رهبر معظم انقلاب و عرفان و سیاستی که عین دیانت است، خوب است به این نکته ایشان توجه شود که اخیراً فرمودند:

«حجاب بی‌تردید یک ضرورت شرعی و خدشه‌ناپذیر است اما این ضرورت خدشه‌ناپذیر نباید موجب شود کسانی که به صورت کامل حجاب را رعایت نمی‌کنند به بی‌دینی یا ضدانقلابی متهم شوند... بدحجابی یا ضعف حجاب درست نیست امّا این موجب نمیشود که ما این [افراد] را از ‌حوزه‌ی دین و انقلاب و مانند این‌ها خارج بکنیم و خارج بدانیم؛ چرا؟ البتّه همه‌ ماها یک نقص‌هایی داریم، باید نقص‌ها را برطرف ‌کنیم.»

و یا در مورد بی‌حجاب‌ها می‌فرمایند:

«خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند می‌کنند چه کسانی هستند قطعاً نمی‌کنند. من می‌دانم. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دین، اهل تضرع، اهل ماه رمضان، اهل گریه و دعا هستند. توجه ندارند که چه کسانی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب هستند. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند حتما نمی‌کنند.»

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. - آن حکایت این بود که یک مملکتی بود که در آن مملکت سلطانی حکومت می‌کرد. این سلطان به جهت فسق و فجور و معصیتی که از ناحیه خود و خاندانش در آن مملکت رخ داد به تباهی دینی کشیده شد و فساد در آنجا رایج شد، عالم بزرگوار و مردی روحانی و الهی علیه آن سلطان قیام کرد. این مرد روحانی هر چه آن سلطان را نصیحت کرد، به نتیجه‌ای نرسید، لذا مجبور شد علیه سلطان اقدام شدیدتری بکند. پس از این شدت عمل، سلطان آن عالم دینی را دستگیر و پس از زندان او را به یکی از ممالک مجاور تبعید کرد. بعد از مدتی که آن عالم در مملکتی که در مجاور مملکت خودش بود در حال تبعید به سر می‌برد، آن سلطان مجددا او را به مملکت دیگری که اعتاب مقدسه (قبور ائمه اطهار) در آن بودند تبعید کرد. این عالم مدتی در آن شهری که اعتاب مقدسه بود زندگی کرد تا اینکه اراده خداوند بر این قرار گرفت که این عالم به مملکت خود وارد شود و آن سلطان فرار کرد و در خارج از مملکت خود از دنیا رفت و زمام آن مملکت به دست آن عالم جلیل القدر افتاد و به تدریج به مدینه فاضله‌ای تبدیل شد و دیگر فساد تا ظهور حضرت بقیة‌ الله به آن راه نخواهد یافت. [↑](#footnote-ref-1)